

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۶۰ - ۱۴۳

امکان سنجی صیانت از حقوق بشر با ورود ثالث در دعاوی سرمایه گذاری بین المللی

محسن عبدالهی^۱

نفیسه شاکری^۲

چکیده

حقوق سرمایه گذاری بین المللی و قواعد شکلی و ماهوی حل اختلافات ناشی از آن با استفاده از شیوه داوری در مسیر تجربه و تحول است و در این مسیر استدلالات نظری و رویه عملی نقش مهمی ایفا می کند. یکی از مواردی که در موضوعات مطرح در این حیطه از دانش حقوق مورد بررسی است امکان در نظر گرفتن حقوق بشر بین الملل بعنوان قسمتی از قانون حاکم، و به تبع آن در نظر گرفتن تعهدات حقوق بشری برای طرفین رابطه ی سرمایه گذاری است. با توجه به اینکه التزام به تعهدات حقوق بشری اغلب با منافع اقتصادی طرفین همسویی ندارد، احتمال عدم تمایل به جدی گرفتن و ایفا آنها وجود دارد. به همین جهت طرح بحث چگونگی نظارت بر رفتارهای حقوق بشری طرفین سرمایه گذاری بین المللی ضرورت دارد. یکی از طرقی که این نیاز را می توان برآورد توجه به نظارت هایی است که در خارج از رابطه قرارداد سرمایه گذاری و توسط طرف ثالث ذی نفع انجام می شود. در این پژوهش با توجه به توجیهات نظری و رویه ای، شرایط کنونی امکان ورود ثالث به دعاوی سرمایه گذاری از موضع مدافع حقوق بشر، مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

حقوق شهروندی، سرمایه گذاری بین المللی، حقوق بشر، داوری سرمایه گذاری بین المللی.

۱. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

Email: Mo_abdollahi@sbu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه شهید بهشتی.

Email: Shirin_shakeri@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۱/۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۳

طرح مسأله

سرمایه گذاری بین المللی یا خارجی شامل جریان های فرامرزی منابع مالی است که از یک سو با هدف ایجاد منافع پایدار برای سرمایه گذار در یک کشوری غیر متبوع، به اشکالی همچون خرید یا ساخت کارخانه، تاسیس شرکت یا خرید و توسعه امکانات موجود از قبیل دارایی ها، کارخانجات و تجهیزات؛ و از سوی دیگر برای بهره مندی دولت سرمایه پذیر از منافع سرمایه گذاری ایجاد می شود. بنا بر این مفهوم سرمایه گذاری بین المللی، همواره با دو رکن سرمایه گذار و کشور میزبان به عنوان طرفین اصلی رابطه سرمایه گذاری خارجی عجین گردیده است. این رابطه کاملاً اقتصادی است و شرایط آرمانی این است که هر دو سوی آن منافع غیر متعارض داشته باشند اما در عمل چنین تجربه ای نادر است. سرمایه گذار خارجی معمولاً فعالیت خود را در حالی آغاز میکند که در خصوص عدم تعرض به سرمایه گذاری و اموال خود از سوی دولت میزبان، و اتخاذ تصمیماتی چون ملی سازی و مصادره از یک سو، و امکان بازگرداندن اصل و سود سرمایه خود به کشور متبوعشان، با تردیدهای معقولی مواجه است. پیشینه طولانی این نگرانی ها، ضرورت وجود سازکارهای حمایتی از سرمایه گذاری خارجی را بوجود آورده است و سابقه ی قابل توجهی از حمایت های دیپلماتیک و نظامی گرفته تا انعقاد پیمانهای دو یا چندجانبه حمایت از سرمایه گذاری نشان دهنده ی تلاشهایی برای برطرف کردن این نگرانی هاست. از جمله ی اقدامات اخیر الذکر پیشنهاد ایجاد نهاد تخصصی رسیدگی برای حل و فصل اختلافات و نیز حقوق خاص تنظیم کننده ی روابط سرمایه گذار خارجی و دولت بوده که با تاسیس مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری بین المللی و به اقتضای آن حقوق سرمایه گذاری بین المللی عملی شده است.

مرکز بین المللی حل و فصل اختلافات سرمایه گذاری، موسوم به ایکسید، از سال ۱۹۶۵ و با هدف جلوگیری از تحمیلات دولتی و حفظ نقش ارادی طرفین در داوری، فراهم آوردن تضمینات مستقیم حقوقی برای سرمایه گذاران خارجی، و نیز فراهم آوردن زمینه های لازم برای حل و فصل حقوقی منصفانه ی اختلافات مربوط تاسیس گردیده است. این مرکز برای حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه گذاری از شیوه داوری استفاده می کند. داوری بین المللی شیوه ای از حل و فصل اختلافات بین المللی از طریق صدور تصمیم لازم الاجرا برای طرفین، از جانب داور بی طرفی که طرفین، اختلاف خود را به او ارجاع داده اند است.^۲ در موضوع سرمایه گذاری بین المللی استفاده از داوری به جهت تردید در بی طرفی نظام قضایی کشور سرمایه پذیر، مورد

۱- قاسمی حامد، عباس، حقوق اقتصادی، انتشارات دراک، چاپ دوم، ۱۳۹۶، ص ۴۰۹

۲- تقی زاده انصاری، مصطفی، ترمینولوژی حقوق بین الملل، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴، ص ۳۱

اقبال زیادی بوده است.

هر نهاد رسیدگی، به مجموعه مقررات حاکم مورد توافق طرفین نیاز دارد. ایکسید هم از این قاعده مستثنا نیست. به همین منظور حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی ایجاد شده که مجموعه ای است از هنجارها که قانون حاکم لازم برای داوری را فراهم می‌آورد. این حقوق متشکل از معاهدات حمایت از سرمایه‌گذاری، قواعد حقوق بین‌الملل عام، اصول کلی حقوق بین‌الملل، استانداردهای کلی حقوق بین‌الملل اقتصادی، و در نهایت قواعدی که مشخصاً به موضوع سرمایه‌گذاری بین‌المللی مرتبط می‌باشد. نباید از نظر دور داشت که قواعد سرمایه‌گذاری بین‌المللی، بنابر ضرورت به جنبه‌هایی از حقوق ملی کشور میزبان نیز توجه داشته است.^۱

در فرآیند رخداد یک اختلاف سرمایه‌گذاری بین‌المللی آنچه مشاهده می‌شود اختلاف میان منافع متعارض طرفین است. یک طرف از داور خواهد خواست که در مورد موجه یا غیر موجه بودن رفتار طرف مقابل در موضوع مربوط به سرمایه‌گذاری تحقیق نماید. بنابر منطق علم حقوق، کسی می‌تواند تقاضای رسیدگی به امری را داشته باشد که در آن امر ذی‌نفع باشد. حال با توجه به اینکه در مجموعه قوانین حاکم بر روابط سرمایه‌گذاری حقوق بین‌الملل عام نیز گنجانده شده است، می‌توان شرایطی را در نظر گرفت که، بویژه در موضوع حقوق بشر، ذی‌نفعی بغیر از طرفین اختلاف نیز در میان باشد. این پژوهش به هدف بررسی امکان ورود ثالث در دعای سرمایه‌گذاری با استناد به قواعد حقوق بشری صورت گرفته است. به این منظور ابتدا تعهدات حقوق بشری در معاهدات سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار گرفته و به تعهدات زیست‌محیطی و توسعه محور اشاره رفته است. سپس مسئله ورود اشخاص ثالث و دلایل موجه کننده آن طرح و بررسی شده است. در قسمت بعد رویه قضایی دو دهه اخیر در مورد میزان استقبال دادگاه‌های داوری از ورود ثالث در پرونده‌های سرمایه‌گذاری مورد تحلیل قرار گرفته است و نهایتاً با توجه به همه‌ی این موارد جمع‌بندی و نتیجه‌گیری صورت گرفته است.

۱. تعهدات حقوق بشری در معاهدات سرمایه‌گذاری

ضرورت رعایت موازین حقوق بشر، بویژه آن قسمت که قواعد آمره شمرده می‌شود، از سوی سرمایه‌گذار خارجی در کشور سرمایه‌پذیر از منظر حقوق بین‌الملل قابل انکار نیست. سند مصوب سال ۲۰۰۳ سازمان ملل متحد در مورد هنجارها و مسئولیت‌های شرکت‌های فراملی و دیگر فعالان تجاری در مورد حقوق بشر، علاوه بر دولت‌ها، دیگر ارگان‌های جامعه را نیز در مورد رعایت حقوق بشر مسئول می‌داند.^۲ در این سند آمده است: هرچند دولت‌ها مسئولیت

۱- دالرز، رودلف و شروتر، کریستف، اصول حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، انتشارات شهردانش، ۱۳۹۱، ص ۲۸.
 2- Norms and the Responsibilities of Transnational Corporations and other Business Enterprises with regard to Human Rights, U.N.Doc.

اصلی و اولیه ارتقا، اجرا، تضمین مراعات و حمایت از حقوق بشر را برعهده دارند، شرکت‌های فراملی و سایر مؤسسات تجاری به عنوان «سایر ارگان‌های جامعه» نیز مسئول ارتقا و تأمین حقوق بشر مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشرند.^۱

این سند دربردارنده پنج گروه از تعهدات ماهوی است: دسته اول، حقوق مدنی و سیاسی؛ دسته دوم، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ دسته سوم، نسل سوم حقوق بشر و به ویژه حق بر محیط زیست و توسعه که باید مورد احترام شرکت‌های فراملی باشد و به علاوه، این شرکت‌ها باید درجهت ارتقا و حمایت از حقوق اقشار آسیب‌پذیر و گروه‌های بومی نیز کوشا باشند؛ دسته چهارم مقررات مطرح در این هنجارها، به مشکلات ناشی از اقدامات فعالان تجاری و راه‌های تحقیق مطرح در سه دسته اخیر می‌پردازد. این دسته از مقررات به ایمنی و ترتیبات امنیتی شرکت‌ها اختصاص یافته است و مطابق آن، ترتیبات امنیتی به کارگرفته شده باید مطابق با هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر و نیز حقوق و استانداردهای کشور میزبان باشد؛ و نهایتاً دسته پنجم مقررات ماهوی که از حوزه حقوق بشر متعارف فراتر می‌رود و به طور کلی به فعالان تجاری می‌پردازد. با توجه به موضوع مورد بررسی پژوهش پیش رو، تعهدات نسل سوم حقوق بشری فعالان تجاری مرکز توجه خواهد بود. از سویی رویه و سابقه‌ی پرونده‌های مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی نشان می‌دهد که دو مسئله‌ی حقوق محیط زیست و توسعه بیش از سایر عناوین حقوقی در این دعاوی تکرار شده است. تعهدات محیط زیستی را می‌توان اصلالتاً تعهدی منفی، و تعهدات مربوط به توسعه را تعهدی مثبت تلقی نمود. در این قسمت این دو حق/تعهد مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱.۲ - حق بر محیط زیست و مسئله سرمایه‌گذاری بین‌المللی

پرهیز از فعالیت‌ها مخرب محیط زیستی در کشور میزبان، از جمله تعهدات فعالان بخش تجاری و از جمله سرمایه‌گذاران است. اعلامیه ریو درباره محیط زیست و توسعه و برنامه ۲۱ - برنامه عمل برای توسعه پایدار -، مسئولیت مستقیمی برای شرکت‌های فراملی در توسعه و انتقال فناوری‌های دوستدار محیط زیست قائل شده است و تعهداتی را در این باره متوجه هم دولت‌ها و هم شرکت‌ها می‌داند. در این اعلامیه از دولت و شرکت‌های فراملی خواسته شده است برای ترویج و به کارگیری تکنولوژی سالم تر با یکدیگر تشریک مساعی کنند. به ویژه از شرکت‌های فراملی خواسته شده است در گزارش سالانه خود به اقدامات زیست محیطی خویش اشاره نمایند. قواعدی را درباره رویه زیست محیطی بهتر وضع کنند، تولیدات خود را از راه

E/CN.4/Sub.2/2003/12/Rev.2.(2003)

۱- یزدانی، غلامرضا، ایکسید و نقض قرارداد سرمایه‌گذاری، ۱۳۹۶، مشهد، انتشارات آستان قدس، ص ۱۸۷.

فناوری‌های سالم‌تر سامان دهند و با اتحادیه‌های کارگری و بازرگانی و دیگر فعالان اقتصادی برای ارتقای دانش و مهارت‌های زیست‌محیطی همکاری کنند. دستورالعمل سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه برای شرکت‌های چندملیتی نیز به این‌ها توصیه کرده است که در حمایت از محیط زیست، به سلامت و ایمنی عمومی توجه نمایند و اقدامات خود را با محوریت توسعه پایدار ساماندهی کنند. مطابق این دستورالعمل، شرکت‌های خارجی باید در برنامه ریزی‌های خود ملاحظات زیست‌محیطی را در نظر بگیرند و نسبت به آثار مخرب فعالیت‌های خود بر محیط زیست حساس بوده و به کنترل آن بپردازند.

علاوه بر اسناد حقوق بشری، مراعات ملاحظات زیست‌محیطی در معاهدات تجاری و سرمایه‌گذاری نیز مورد توجه بوده است. برای نمونه می‌توان به پیمان نفتا اشاره کرد. «در متن موافقتنامه نفتابه طور رسمی ارتباطی میان حقوق بشر در این منطقه مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین مقررات حمایتی نفتا در خصوص سطح حداقل دستمزدها، کارکردک، مقررات ایمنی، شرایط محیط کار قابل توجه است، چراکه نقض شدید این مقررات حمایتی می‌تواند تحریم‌های تجاری را به موجب موافقت‌نامه به همراه داشته باشد»^۱. اعضای پیمان نفتا به رعایت قوانین زیست‌محیطی، حفظ حقوق کارگران توجه خاصی مبذول داشته و در این راستا موافقتنامه‌های جانبی به پیمان الحاق شده که قابل تأمل است. در سال ۱۹۹۳، در پی فشار داخلی، دولت آمریکا درباره دو موافقتنامه جانبی با شرکایش در نفتا مذاکره کرد که قرار بود امنیت حقوق کارگران و محیط زیست را تأمین کند.

آنچه ملاحظات زیست‌محیطی را شایسته توجه و نظارت بیشتری می‌نماید آثار گسترده مخاطرات آن هم در بعد مکانی و هم زمانی است. از منظر آثار مکانی، صدمات زیست‌محیطی امکان عبور از مرزها و تهدید سلامت پهنه‌ی وسیعی از سرزمین‌ها و انسانها را دارند. آنچه در ادبیات محیط زیستی اثر پروانه‌ای^۲ خوانده می‌شود، اشاره به ویژگی فرا مرزی مسئله محیط زیست است. از بعد زمانی نیز با خلق مفهوم خطر توسعه^۳، به آثار احتمالی طولانی مدت بر محیط زیست اشاره رفته است.

۱- شریفی طرازکوهی، حسین و سیه جانی، نازیلا، ۱۳۹۴، نقش و جایگاه موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای نفتا و آسه آن در پیشبرد و تضمین ابعاد و انواع حقوق بشر، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶ شماره ۱، ص ۱۸۶

2 - Butterfly Effect

3 - Development Risk

۲.۲- حق بر توسعه و مسئله سرمایه‌گذاری بین‌المللی

یکی دیگر از اهداف و در عین حال تعهدات فعالیت‌های سرمایه‌گذاری یاری رساندن به فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشور میزبان است که تامین‌کننده‌ی سهمی از حق بر توسعه مردمان متبوع این دولت‌هاست. مطالعات اقتصادی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عاملی مهم در بالا رفتن سطح اشتغال کشور سرمایه‌پذیر محسوب می‌شود. علاوه بر این، این نوع سرمایه‌گذاری از طریق انتقال فناوری‌های جدید و انتقال مهارت‌های مدیریتی و دانش روز و سرریزهای ناشی از آنها، به افزایش قدرت رقابت، ارتقای دانش نیروی کار، افزایش بهره‌وری نیروی کار، افزایش تولید و بهبود تراز پرداخت‌ها می‌انجامد.^۱

با توجه به توضیحات فوق در معاهدات و اسناد مربوط به سرمایه‌گذاری، فرض بر این است که سرمایه‌گذاری خارجی، در صورت تحقق صحیح و با حسن نیت، علاوه بر اینکه تامین‌کننده‌ی منافع سرمایه‌گذار است، سبب رونق اقتصادی و توسعه اقتصادی کشور میزبان نیز خواهد بود. اهمیت این مطلب به حدی است که دولت‌های متبوع سرمایه‌گذاران خارجی نیز به موجب معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری، متعهد شده‌اند تضمین کنند که شرکت‌های تابع آنها اهداف اصلی این معاهدات، یعنی رونق اقتصادی کشور میزبان را خدشه‌دار نکنند یا دست کم مانعی در مسیر توسعه کشور سرمایه‌پذیر ایجاد ننمایند. چنانچه سرمایه‌گذار خارجی مانع توسعه کشور میزبان شود میتوان ادعا کرد که از مسیر حسن نیت خارج شده و قواعد مربوط به حمایت از سرمایه‌گذار خارجی، مشمول وی نشده است و وی از امتیازات تعهد شده محروم خواهد شد. به دیگر سخن معیار بهره‌مندی از حمایت‌ها و مشوق‌ها در کشورهای سرمایه‌پذیر، مشارکت موثر و مثبت^۲ فرآیند سرمایه‌گذاری خارجی در تحقق توسعه آن کشورها است.

۲. اشخاص ثالث به مثابه ذی‌نفعان معاهدات سرمایه‌گذاری خارجی

هرگاه میان دو شخص ترافعی در می‌گیرد که آثار آن به خود آن افراد محدود نیست، عدالت اقتضا می‌کند که به ذی‌نفع خارج از دعوا (ثالث) اجازه‌ی دفاع از حقوق خود داده شود. به جهت وسعت تاثیر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی، تبعات آن ممکن است آثار مهمی بر حیات افراد غیر طرف قرارداد سرمایه‌گذاری داشته باشد. ضروری بوده است که برای حفظ حقوق ثالث چاره‌اندیشی شود. یک دسته از حقوق مورد تهدید حق‌های بشری این افراد است و به همین جهت تعهدات حقوق بشری مضمّن در حقوق سرمایه‌گذاری خارجی، امکان حضور افراد را

۱- سید نورانی، سید محمدرضا و محمدپور، حسن، ۱۳۹۵، تاثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اشتغال در کشورهای عضو OECD و کشورهای در حال توسعه، در اقتصاد و تجارت نوین، سال یازدهم شماره سوم، صص ۱۱۹-۱۴۸.

بعنوان صاحبان حق و ذی نفعان حقوق بشر در فرآیند نظارت بر اجرای معاهدات سرمایه‌گذاری فراهم آورده است. برای نمونه قواعد داوری ایکسید، مبنایی را برای ورود ثالث در دعوی سرمایه‌گذاری ایجاد نموده است: کسانی که طرف دعوا نیستند و تمایل دارند موضوعاتی را مطرح سازند باید دادخواستی را تحویل دیوان نمایند و این دادخواست باید شامل موارد ذیل باشد:

الف. هویت و پیشینه دادخواست، ماهیت عضویت در یک سازمان، و اگر ارتباطی وجود داشته باشد، ماهیت ارتباط با طرفین اختلاف، شخص ثالث باید در چارچوب موضوع اختلاف مساله جدیدی را بیان نماید که طرفین اختلاف به آن را مدنظر قرار نداده اند.

ب. ماهیت منافع دادخواست دهنده در دعوی؛

ج. اینکه آیا دادخواست دهنده حمایت مالی یا مادی را از طرفین اختلاف که با آن ارتباط دارد دریافت می‌کند یا خیر؛

د. استدلال در این راستا که چرا دیوان باید دادخواست مکتوب او را بپذیرد.

ماده ۴۶ منشور آفریقایی حقوق بشر سال ۱۹۸۱ نیز به کمیسیون آفریقایی حقوق بشر اجازه میداد که به هرگونه ابزار مناسب برای تحقیق متوسل شود و اظهارات دبیرکل سازمان اتحادیه آفریقایی یا هر شخص دیگری که قابلیت روشن سازی موضوع را دارد، بشنود.^۱

داوری سرمایه‌گذاری براساس موافقت نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) نیز از این امر بی‌نصیب نمانده است و حضور اشخاص ثالث را در جهت شفافیت اختلاف مدنظر قرارداده است. شایان ذکر است که در قواعد شفافیت آنسیترال هم مساله ورود ثالث مورد توجه قرار گرفته است البته در این قواعد اشخاص ثالث دولتی و غیر دولتی و مسائل شکلی و ماهوی مورد مورد تفکیک قرار گرفته اند.^۲

این گرایش محدود به معاهدات چندجانبه و کنوانسیون‌ها نیست و حتی در تعدادی از معاهدات دوجانبه ی سرمایه‌گذاری نیز امکان ورود ثالث پیش بینی شده است.^۳

ممکن است این ایراد طرح شود که دولت‌های طرف قرارداد به نمایندگی از ملت خود، وظیفه ی صیانت از حقوق آنها را انجام میدهند و در نظر گرفتن امکان ورود ثالث، دوباره کاری بنظر می‌رسد. به نظر نگارنده هر چند دولت‌ها بعنوان نماینده ی ملت‌های متبوع خود در این قراردادهای حضور دارند، اما این حضور به دو دلیل مانع از ورود طرف ثالث بعنوان مدعی نیست.

1 - African Charter on Human and Peoples' Rights, Article 46

2 - UNCITRAL Rules on Transparency, 2014,

3 - Canada Model BIT Art.39, 2004, USA BIT Art.28 paraa3,2012.

۱.۳ - ثالث غیر متبوع دولت سرمایه پذیر

نخستین دلیلی که میتوان برای پذیرش ثالث مدعی نقض حقوق بشر در دعاوی سرمایه گذاری در نظر گرفت این است که ثالث ذی نفع، غیر متبوع دولت طرف قرارداد باشد. در این شرایط امکان حمایت دیپلماتیک از حقوق اتباع را غیر قابل طرح می سازد. این امر بویژه در مسائل زیست محیطی که دامنه تاثیر غیر قابل کنترل دارند، و یا مواردی که تاثیر اقدامات با تاخیر و غیر فوری بروز می باید، و نیز مسئله ی حقوق کارگران خارجی، قابل تصور است.

۲.۳ - کوتاهی یا ناتوانی دولت در حمایت از حقوق بشری اتباع شان در فعالیت های سرمایه گذاری

دلیل دوم توجیه ورود طرف ثالث این است که مسئولیت دولت دلیلی برای عدم صلاحیت خود افراد برای نظارت بر محتوا و فرآیند سرمایه گذاری خارجیو دیدبانی نقض حقوق بشر نیست. دولتها ممکن است به طور غیر عامدانه و به جهت فقدان اطلاعات لازم، و یا بطور عامدانه و به طمع منافع اقتصادی قابل توجه، مخاطرات زیست محیطی برخی فعالیت ها را نادیده بگیرند. حضور افراد و سازمان های غیردولتی برای نظارت بر اقدامات سرمایه گذاران و دولت ها، بر شفافیت رفتارهای مورد اشاره می افزایند. به همین دلایل است که برخی رشته هاو صنایعی که پتانسیل سرمایه پذیری بیشتری دارند، بیشترین حجم توجهات را نیز به خود جلب می کنند و زیر ذره بین نظارت های عمومی هستند؛ از جمله صنایع سبک مانند کفش و پوشاک که به کار ارزان وابسته اند و همچنین فعالیت های استخراج از منابع طبیعی و پروژه های عمرانی و نیز عملیات های مربوط به لوله های نفت و گاز نیز به دلیل آثار جدی آنها بر وضعیت سلامت و محیط زیست. باید توجه داشت که ورود ثالث همیشه مورد استقبال و پذیرش نبوده و نقدهای متفاوتی نیز درباره آن مطرح شده است. از آن جمله به این موضوع توجه شده که ورود ثالث می تواند باعث توسعه موضوع دعوا، پیچیده تر شدن آن، افزایش زمان داوری ونهایتاً بالاتر رفتن هزینه رسیدگی برای طرفین شود. در هر حال باید به خاطر داشت که داوری معاهده ای سرمایه گذاری، علی رغم وجود مؤلفه های عمومی و حضور دولت، نوعی رسیدگی خصوصی است و برقراری رابطه میان جنبه های عمومی و حقوق بشری دعاوی معاهده ای سرمایه گذاری از یک سو و منافع و حقوق طرفین دعوا(وعلی الخصوص شخص خصوصی) ازسوی دیگر درتصمیم دیوان داوری برای پذیرش یا عدم پذیرش اظهار نظر شخص ثالث می بایست به دقت سنجیده شود. بنظر می رسد با در نظر گرفتن همین نگرانی است که در مقررات داوری ایکسید پیش بینی شده است که

۱- گمانه زنی ها در مورد منشا خارجی ریزگردهای جنوب غرب ایران نمونه دیگری از تاثیر بی مرز فعالیت های موثر بر محیط زیست است.

مشارکت شخص ثالث نباید باعث ایجاد وقفه در روند داوری شود یا تکالیف اضافی غیر موجه بر طرفین دعوی اصلی تحمیل نماید و نیز طرفین دعوا اصلی باید به صورت عادلانه مجال کافی برای پاسخ به لایحه ارسالی را داشته باشد.^۱ در واقع تأثیر گذاری منافع عمومی و حقوق بشر در دعوی سرمایه گذاری خارجی غالباً درخلاف جهت منافع شخص خصوصی عمل می کند. در مورد اظهار نظر ثالث و با نظر به انگیزه اظهار نظرکنندگان ثالث که اصولاً حفظ منافع عمومی و یا منافع گروه خاصی است نیز این قاعده کلی صادق است. لذا در مواردی که امکان انتخاب برای سرمایه گذاری خارجی از میان سازوکار های داوری تجاری و سرمایه گذاری وجود داشته باشد، همین مسأله می تواند سرمایه گذاری خارجی را برای حل اختلافات سرمایه گذاری از نظام دادگستری دور و به نظام داوری تجاری متمایل مینماید.

برای سنجش میزان پذیرش دلایل له و علیه حضور ثالث به عنوان مدعی العموم حقوق بشر توسط قضات و داوران بین المللی، در بخش آتی به بررسی رویه مربوط داوری های صورت گرفته در پرونده های مطرح شده در موضوع سرمایه گذاری می پردازیم.

۳. رویه داوری در ورود شخص ثالث به دعوی سرمایه گذاری با استناد به نقض حقوق بشر

بررسی پرونده های مختوم و در دست رسیدگی در موضوع سرمایه گذاری خارجی، روندی رو به افزایش از دخالت نهادهای غیر دولتی و گروه های مدنی هم بعنوان ثالث ذی نفع (اصلی)، و هم بعنوان همکاران افتخاری^۲ (ثالث تبعی) داور/دادگاه ها در پرونده های سرمایه گذاری را نشان می دهد. گستره ی این حضور در پرونده های جدیدتر اشکال متفاوتی به خود گرفته و حتی شامل گروه هایی چون کمیسیون اروپایی و قبیله های بومی آمریکایی نیز شده است. نخستین تجربه ورود ثالث در پرونده ی متانکس علیه دولت ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ رخ داد. در این قضیه دولت ایالتی کالیفرنیا استفاده از مواد گازوئیلی تحت عنوان ام تی بی ای را در قلمرو خویش به دلیل سمی بودن ممنوع نمود. شرکت متانکس یک شرکت کانادایی

1. ICSID Arbitration Rules of Procedure, Rules 37(2).

با همین مبنای دیوان های داوری ایکسید بعضاً ارسال لایحه از سوی ثالث را نپذیرفته اند به عنوان نمونه:

Bernhard von Pezold and Others v. Republic of Zimbabwe, ICSID Case No. ARB/10/15, Procedural Order No 2, 26 June 2012; Border Timbers Limited, Border Timbers International (Private) Limited, and Hangan Development Co. (Private) Limited v. Republic of Zimbabwe, ICSID Case No. ARB/10/25 – Procedural Order No 2, 26 June 2012.

2- Amicus curiae briefs جناب دکتر شهاب جعفری ندوشن این عبارت را دوست دادگاه ترجمه کرده اند. بنگرید به جعفری ندوشن، شهاب، حقوق حل نگارنده به جهت تفاوت سلیقه، عبارت همکار افتخاری را برگزیده ام. بنگرید به جعفری ندوشن، شهاب، حقوق حل اختلافات سرمایه گذاری های خارجی، ۱۳۹۷، نشر میزان، تهران

تولیدکننده متانول است. این ماده متشکل از مواد تجزیه ناپذیر گازولین به نام ام تی بی ای^۱ است. هرچند شرکت متانکس تولیدکننده ام تی بی ای نبود ولی بخش اعظمی از متانولی که تولید می‌نمود در ساخت ام تی بی ای بکار می‌رفت. این شرکت متانول را برای بازارهای آمریکایی تولید می‌نمود ولی ۴۷ درصد بازار در دست تولیدکنندگان داخلی آمریکایی بود.

آنچه منجر به این اختلاف گردید از این قرار بود که بعد از مشکلاتی که توسط گروه‌های محیط زیست ابراز گردید و در مطالعات کارشناسان هم به اثبات رسید، دولت ایالتی کالیفرنیا استفاده از ام تی بی ای را به عنوان یکی از مواد افزودنی گازولین ممنوع نمود زیرا این مواد موجب آلوده شدن سطح آب‌های زمینی و زیرزمینی می‌شد. در مقابل، شرکت متانکس اعلام داشت که «ام تی بی ای» عنصری مؤثر، اقتصادی و است. این شرکت حتی ادعا نمود که محصولش آثار مفید زیست محیطی نیز می‌تواند داشته باشد و هیچ خطری برای سلامت بشری یا محیط زیست ندارد و به مبنای قانونگذاری‌های انجام شده در این خصوص ایراد گرفت. در پاسخ، ایالات متحده اعلام نمود اقدامات تقنینی منجر به ممنوعیت کامل متانول نشده است و ممنوعیت‌های صرفاً محدود به عدم ایجاد آثار مخرب قابل توجه بر سلامت عمومی و محیط زیست است. متانکس معتقد بود بر مبنای دستورات اجرایی و تقنینی از سوی کالیفرنیا این شرکت بخش قابل توجهی از مشتریان و بازار خود را در کالیفرنیا از دست داده است و جبران خسارت وارده را درخواست کرد. شرکت متانکس مدعی بود که این ایالات این ممنوعیت را به دلایل سیاسی مربوط به شرکت رقیب که اتانول تولید می‌نمود و می‌توانست جایگزین متانول و ام تی بی ای باشد، این تصمیم را اتخاذ نموده است و این اقدام نقض فصل ۱۱ نفتا در خصوص حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی می‌باشد که سه تعهد را دربردارد:

۱- تعهد به رفتار ملی ماده ۱۱۰۲ نفتا که مقرر می‌دارد دول عضو نفتا باید نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی رفتاری مانند سرمایه‌گذاران داخلی که در شرایط با آن‌ها می‌باشند اتخاذ نماید.

۲- تعهد به اعمال حداقل استاندارد بین‌المللی رفتار در حمایت از سرمایه‌گذاران از جمله رفتار منصفانه و عادلانه.

۳- تعهد به عدم اتخاذ اقداماتی که بمثابة مصادره بدون پرداخت غرامت تلقی می‌شود. بر اساس ماده ۱۱۰۲ نفتا مقرر می‌دارد که سرمایه‌گذاران خارجی نباید در مقایسه با سرمایه‌گذاران داخلی، در اوضاع و احوال مشابه، از رفتاری که از مطلوبیت کمتری برخوردار است بهره‌مند گردد.

در این پرونده که در چهارچوب معاهده نفتا و قواعد آنستیرال مورد بررسی قرار می‌گرفت، مقررات آئین دادرسی حاکم در مورد ورود ثالث ساکت بود، با این وجود دادگاه اعلام کرد که با توجه به ضرورت در نظر گرفتن منافع عمومی، این اختیار را دارد که طرف ثالث را بپذیرد. تحت تاثیر این رای بود که در سال ۲۰۰۳ کمیسیون تجارت آزاد نفتا و ورود ثالث را پذیرفت.^۱

در پرونده ی سوئز/ووندی علیه دولت آرژانتین در سال ۲۰۰۵ علی‌رغم اعتراض طرفین درگیر، دادگاه ورود سازمانهای مدنی را پذیرفت. دادگاه ابراز داشت که ماهیت پرونده چنان ارتباطی با منافع عمومی دارد که هر دادگاه و داوری را قانع می‌کند که از ورود طرف ثالث قابل اعتماد استقبال نماید. با این وجود دادگاه تاکید کرد ورود ثالث در تمام پرونده‌ها مجاز نیست، بلکه این امر بستگی به ماهیت موضوع دارد. در پرونده ی مورد بحث، چون موضوع حقوق آب و منابع آن مربوط بود که با حق بر دسترسی به آب آشامیدنی سالم در ارتباط است، دادگاه اجازه ورود ثالث را داد.^۲

در پرونده ی یو پی اس علیه دولت کانادا در سال ۲۰۰۷، دادگاه حتی بدون ذکر ارتباط موضوع پرونده با حقوق بشر و منافع عمومی، ورود ثالث را پذیرفت. به همین نحو در پرونده ی گلامیس گلد علیه دولت ایالات متحده، دادگاه باز هم بدون ذکر دلیل خود، ثالث را در فرآیند داوری پذیرفت.^۳ در پرونده آگواس دلتوناری علیه دولت بولیوی، تقاضای ورود ثالث رد شد. در پرونده ی سوز علیه دولت آرژانتین در سال ۲۰۰۶ دادگاه با این استدلال که عملیات سرمایه‌گذاری مربوط به آب و سیستم بهداشتی، به حقوق بشر مربوط است، اجازه ورود ثالث را صادر نمود. همین خط استدلال را می‌توان در تصمیم دادگاه در پرونده ی بای واتر گاف علیه دولت تانزانیا دید که به پذیرش ثالث منجر شد. هر چند این دادگاه در حکم نهایی، ذکر از حقوق بشر به میان نیاورد.^۴

در دو پرونده ی مشهور گراندربور علیه دولت ایالات متحده در سال ۲۰۱۳، و پرونده ی فیلیپ موریس علیه دولت اروگوئه در سال ۲۰۱۵، علت پذیرش ثالث به وضوح، کمک به افزایش

1- Methanex Corporation v. US, UNCITRAL, Decision of the Tribunal on Petitions from Third Persons to intervene as "Amici Curiae", 15 January 2001

2- Suez, Sociedad General de Aguas de Barcelona, S.A. and Vivendi Universal, S.A. v. Argentina, ICSID ARB/03/19, October in Response to a Petition for Transparency and Participation as Amicus Curiae of May 19, 2005

3- United Parcel Services of America, Inc. v. Canada, UNCIRAL, Award on the Merits, 24 May 2007, para. 3.

4- Suez, Sociedad General de Aguas de Barcelona S.A., and InterAgua Servicios Integrales del Agua S.A. v. Argentina, ICSID Case No. ARB/03/17/, order in Response to a Petition for Participation as Amicus Curiae, 17 May 2006, para. 18

شفافیت در فرآیند رسیدگی و نیز افزایش پذیرندگی آن در طرفین به طور کلی اعلام شد.^۱ در پرونده ی پیرو فورستی علیه دولت آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۵، درخواست ورود ثالث پذیرفته شد. دلیل این امر در نظر گرفتن افکار عمومی در این پرونده ذکر شد. در این پرونده رفتار دولت آفریقای جنوبی به جهت رفع اثر از رفتار رژیم سابق نژاد پرست حاکم بر کشور بود. استدلال این دولت این بود که نه تنها وظیفه داشته اینگونه عمل کند بلکه دولت متبوع سرمایه گذار نیز با توجه به تعهدش به همکاری بین المللی در مورد ارتقای رفتارهای بدون تبعیض و برابر، باید حامی این رفتار باشد. نکته جالب در این پرونده این بود که دادگاه در پی دریافت بازخورد عمومی در مورد منصفانه و موثر بودن پذیرش ثالث بود. در این قضیه ۲ دادخواست ارائه شده بود، یکی از طرف کمیسیون بین المللی حقوقدانان که یک سازمان حقوق بشری است^۲ و دیگری از طرف یک گروه کاری از ۴ سازمان غیردولتی که دوتای آن بر حفاظت از محیط زیست تمرکز دارند. دیوان نه تنها دفاعیات مکتوب آن ها را دریافت نمود بلکه شرایطی را برای استماع مطالب آن ها به صورت شفاهی فراهم نمود و از آن ها درخواست نمود در خصوص موثر بودن و عادلانه بودن روندی که برای مشارکت اعضایی که طرف اختلاف نیستند ارائه دهند و دیوان در رای خویش بخشی را به ثبت نظریات آنان و نتایجی که دیوان از آن گرفته بود اختصاص دهد.^۳ این توجه دیوان به دلیل حساسیت هایی بود که این قضیه به همراه داشت ولی این اقدامات دیوان بی همتا نبود و دیوان های قبلی و اسناد بین المللی هم چنین اقداماتی را مقرر داشتند.^۴ دعاوی زیست محیطی مانند آن چه مرتبط است با خدمات آب، استخراج منابع طبیعی، مدیریت پسماندها و ... ملاحظات عمومی گسترده ای را مطرح می سازد که دیوان باید در تصمیم گیری بدان توجه نماید. در این راستا کارکرد مهم این مداخلات این است که منجر به کمک به دیوان در استنباط عکس العمل عمومی و ارتقاء مشروعیت پروسه داوری با مشارکت نهادهای مدنی خواهد شد. برای نیل به چنین اهدافی، این مداخلات باید توسط مقامات صالح و کسانی که به نحوی با قضیه درگیر هستند صورت گیرد.

هر چند این دادگاه به نتیجه نرسید اما مذاکرات آن نشان دهنده ی گرایش به ارتقای

1- Grand River Enterprises Six Nations, Ltd., et al. v. United State of America, UNCITRAL, Amicus Curiae Submission of the Office of the National Chief of the Assembly of First Nations, 19 January, 2009, <http://www.italaw.com/cases/510#sthash.0n3vmJKm.dpuf>.

2- Petition for Participation as Non-disputing Party Pursuant to Article 41 (3) of the ICSID Arbitration Rules, Presented by the International Commission of Jurists , available at www.icj.org/IMG/ICJ-Petition-Foresti-V-RSA-19-Aug2009.Pdf

3- Foresti, OP.Cit

4 - See Suez V. Argentina, ICSID Case NO.ARB/02/3, order in Response to a Petition for Transparency and Participation Amicus Curia, 19 May 2005

سیستماتیک حضور ثالث در دادگاه‌های داوری است.^۱ خلاف همین روند را می‌توان در پرونده‌های شورون علیه دولت اکوادور در سال ۲۰۱۰،^۲ و نیز پزلد علیه دولت زیمباوه در سال ۲۰۱۲،^۳ مشاهده کرد. پرونده‌ی اخیر الذکر و استدلال رد ورود ثالث در آن شایسته‌ی بررسی است.

در پرونده پزلد علیه دولت زیمباوه مسئله اصلی بررسی نحوه تفسیر قواعد مربوط به ورود ثالث در کنوانسیون حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری، به عنوان نمونه ماده ۳۷ آن است. باید توجه داشت که علی‌رغم مخالفت هر دو طرف، دادگاه در این پرونده ابتدا تقاضای ورود ثالث را بررسی نمود و سپس با این استدلال که ثالث مستقل نیست، این تقاضا را رد کرد. دادگاه بیان داشت که این دولت طرف قرارداد است که باید بحث حقوق بشری تابعانش را پیش بکشد. البته در آن مقطع هنوز هیچ دفاع ماهوی صورت نگرفته بود و مشخص نبود دولت زیمباوه این کار را به انجام خواهد رساند یا خیر. محتوای این اظهار نظر نشان می‌دهد که دادگاه موضوع را مرتبط به حقوق بشر دانسته اما در مورد امکان استماع چنین ارتباطی از سمت ثالث مطمئن نبود و این به احراز شرط استقلال ثالث بر میگشت. دادگاه اظهار داشت که هدف از ورود ثالث کمک به دادگاه برای اخذ تصمیم صحیح است و این امر از طریق فراهم آوردن اطلاعات و تجربه‌ی مستقل و غیر جهت‌دار محقق می‌شود که به تنهایی در اختیار دادگاه نیست و به همین جهت به کمک ثالث نیاز پیدا می‌کند. پس ثالث برای توجیه ورود خود باید چنین ویژگی‌هایی را اثبات نماید. در این پرونده استناد طرف ثالث به قوانین داخلی و نیز اصرار دولت بر ورود آن، استقلال ثالث را نزد دادگاه زیر سوال برد. این استدلال قابل نقد به نظر می‌رسد. اینکه هیچ ارتباطی بین یک نهاد غیر دولتی و دولتی که در سرزمین آن فعالیت می‌کند نبوده باشد، منطقی نیست. در یک پرونده قدیمی میان متانکس علیه دولت ایالات متحده استدلالی وجود دارد که بنظر مربوط می‌آید. در آن پرونده نماینده شرکت متانکس اظهار می‌دارد که ثالث نقش کارشناس را برای دادگاه ایفا نمیکند، بلکه توجه او را به ابعاد متفاوت و منافع متعارض در پرونده

1- Petition for participation as a Non-disputing party pursuant to Article 41(3) of the ICSID Arbitration Rules by the International Commission of Jurists, 19 August, 2009, accessible via <http://icj.wpengine.netdna-cdn.com/wp-content/uploads/2012/06/SouthAfrica-foresti-advocacy-2001.pdf>, Accessed 9 July 2015.

2- Chevron Corporation and Texaco Petroleum Corporation v. The Republic of Ecuador, UNCITRAL, PCA Case No. 2009-23, Submission of Amici, 5 November 2010. http://italaw.com/documents/Chevron_v_Ecuador_SubmissionOfAmici_5Nov2010.pdf.

3- Bernhard von Pezold and others v. Republic of Zimbabwe, ICSID Case No. ARB/10/15, Procedural Order No. 2, 26 June 2012.

جلب می نماید.^۱

در پرونده داوری گلامیس، دیوان داوری با در نظر گرفتن شرط منفعت شخص ثالث که یک گروه بومی از هند بودند حضور اشخاص ثالث را به رسمیت شناخت و مقرر داشت که حق مردم یک سرزمین این است که از امکان مقدس مذهبی و فرهنگی خود بهره مند گردند. در آخرین مورد بررسی به پرونده ی گابریل ریسورسز علیه دولت رومانی در سال ۲۰۱۹، سه سازمان مردم نهاد رومانیایی تقاضای ورود به پرونده را بعنوان ثالث داشتند. دادگاه ورود محدود را پذیرفت. اجازه ورود تنها به مباحثی داده شد که اولاً در تخصص ثالث متقاضی ورود بود و ثانیاً به مواردی که آنها بعنوان قصد خود از ورود اعلام کرده بودند ارتباط داشته باشد. سه نهاد متقاضی ورود مدعی حمایت از حقوق خانواده های بومی ساکن منطقه مورد سرمایه گذاری، منابع محیط زیستی منطقه، و نیز آثار باستانی آن بودند. در این پرونده نیز در اظهار نظر دادگاه از ماده ۳۷ ایکسید سخن به میان آمد و نهایتاً اجازه ورود مشروط به توضیحات فوق صادر شد.^۲

1- Methanex Corporation v. United States of America, UNCITRAL, Decision of the Tribunal on Petition from Third Persons to Intervene as “amici curiae, 15 January 2001, para. 38

2- <https://www.lexology.com/library/detail.aspx?g=92038966-e18c-4a97-9593-29d20091e474>

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هنوز ابهاماتی زیادی در مسئله‌ی ورود ثالث وجود دارد. هنوز هیچ رویه‌ی یکسان و راهنمای روشنی برای نقش ثالث در فرآیند تصمیم‌سازی دولت وجود ندارد. پذیرش و تاثیر استدلالات حقوق بشری ثالث نیز کماکان موقوف به صلاحدید داوران دادگاه است که حاصل آن فقدان رویه و روش شناسی روشن می‌باشد. در بسیاری از پرونده‌ها نقش استدلالات حقوق بشری مبهم است. با این وجود گرایش نهادهای غیر دولتی و سازمانهای اجتماعی به ورود به پرونده‌های سرمایه‌گذاری از موضع حقوق بشری، نوید دهنده‌ی آینده‌ی بهتری برای درج این ملاحظات در آرا داوری است. ضرورت ادامه‌ی این روند در این نکته نهفته است که گهگاه دولتها گرایشی به نادیده گرفتن معضلات حقوق بشری سرمایه‌گذاری‌ها در قبال منافع اقتصادی متصور از آن‌ها هستند.

در مقام جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بنظر می‌رسد که با در نظر گرفتن استدلالات نظری و رویه‌ی عملی بتوان این نکات را، هر چند نه بعنوان قواعد الزام‌آور، بلکه به عنوان عرف و رویه در حال شکل‌گیری، استنتاج کرد؛ نخست اینکه، برای پذیرش ثالث موضوع پرونده باید حاوی سهمی از منافع عمومی باشد. در این قسمت می‌توان اطمینان داشت که حق‌های بشری حاوی چنین ویژگی هستند و ملاک پذیرفته‌ای برای سنجش وجود نفع عمومی در استماع اظهارات ثالث می‌باشند. در عین حال باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری خارجی‌ای که حاوی منافع عمومی اتباع دولت سرمایه‌پذیر نباشد، در جهان معاصر امر پذیرفته‌ای بنظر نمی‌آید. دوم اینکه تخصص و تجربه‌ی ثالث باید به نحوی باشد که به یاری دادگاه در اخذ بهترین تصمیم ممکن بیاید. در آخرین پرونده بررسی شده در قسمت قبل مشاهده شد که پذیرفته شدن ثالث به جهت تخصص آن (آنها) در امور محیط زیست و میراث فرهنگی بود که از قضا هر دو در شمول مسائل حقوق بشری قرار می‌گیرند. سوم اینکه دخالت ثالث باید به شفافیت و مشروعیت تصمیم دادگاه بیفزاید. به تعبیر دیگر میتوان گفت که دلیل موجه‌کننده‌ی ورود ثالث، بهبود کارکرد نهاد رسیدگی‌کننده است.

فهرست منابع

فارسی

۱. تقی زاده انصاری، مصطفی، ترمینولوژی حقوق بین الملل، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۴.
۲. جعفری ندوشن، شهاب، حقوق حل اختلافات سرمایه گذاری های خارجی، ۱۳۹۷، نشر میزان، تهران.
۳. دلرز، رودلف و شروتر، کریستف، اصول حقوق بین الملل سرمایه گذاری، انتشارات شهردانش، ۱۳۹۱.
۴. سید نورانی، سید محمدرضا و محمدپور، حسن، ۱۳۹۵، تاثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اشتغال در کشورهای عضو OECD و کشورهای در حال توسعه، در اقتصاد و تجارت نوین، سال یازدهم شماره سوم،
۵. شریفی طرازکوهی، حسین و سیه جانی، نازیلا، ۱۳۹۴، نقش و جایگاه موافقت نامه های منطقه ای نفتا و آسه آن در پیشبرد و تضمین ابعاد و انواع حقوق بشر، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶ شماره ۱
۶. قاسمی حامد، عباس، حقوق اقتصادی، انتشارات دراک، چاپ دوم، ۱۳۹۶.
۷. یزدانی، غلامرضا، ایکسید و نقض قرارداد سرمایه گذاری، ۱۳۹۶، مشهد، انتشارات آستان قدس،

انگلیسی

1. Bernhard von Pezold and Others v. Republic of Zimbabwe, ICSID Case No. ARB/10/15, Procedural Order No 2, 26 June 2012; Border Timbers Limited, Border Timbers International (Private) Limited, and Hangani Development Co. (Private) Limited v. Republic of Zimbabwe, ICSID Case No. ARB/10/25 – Procedural Order No 2, 26 June 2012.
2. Canada Model BIT Art.39, 2004, USA BIT Art.28 paraa3, 2012.
3. Chevron Corporation and Texaco Petroleum Corporation v. The Republic of Ecuador, UNCITRAL, PCA Case No. 2009-23, Submission of Amici, 5 November 2010.
http://italaw.com/documents/Chevron_v_Ecuador_SubmissionOfAmici_5Nov2010.pdf.
4. CMS Gas Transmission Company v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/01/08, Award (12 May 2005)
5. Grand River Enterprises Six Nations, Ltd., et al. v. United State of America, UNCITRAL, Amicus Curiae Submission of the Office of the National Chief of the Assembly of First Nations, 19 January, 2009, <http://www.italaw.com/cases/510#sthash.0n3vmJKm.dpuf>.

6. ICSID Arbitration Rules of Procedure, Rules 37(2).
7. Methanex Corporation v. US, UNCITRAL, Decision of the Tribunal on Petitions from Third Persons to intervene as “Amici Curiae”, 15 January 2001
8. Norms and the Responsibilities of Transnational Corporations and other Business Enterprises with regard to Human Rights, U.N.Doc. E/CN.4/Sub.2/2003/12/Rev.2.(2003)
9. Petition for Participation as Non-disputing Party Pursuant to Article 41 (3) of the ICSID Arbitration Rules, Presented by the International Commission of Jurists , available at www.icj.org/IMG/ICJ-Petition-Foresti-V-RSA-19-Aug2009.Pdf
10. Sempra Energy v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/02/16, Award (28 September 2007) ;Sempra Energy v. Argentine Republic, ICSID Case No. ARB/02/16, Decision on Annulment (29 June 2010)
11. Suez, Sociedad General de Aguas de Barcelona, S.A. and Vivendi Universal, S.A. v. Argentina ,ICSID ARB/03/19, October in Response to a Petition for Transparency and Participation as Amicus Curiae of May 19, 2005
12. United Parcel Services of America, Inc. v. Canada, UNCIRAL, Award on the Merits, 24 May 2007, para.3.
13. United Nations Secretary General, Objectives and themes of UN Conference on Sustainable Development, P. 3, UN. Doc. A/CONF. 216/ PC 17(Dec, 2010)

الکترونیک

1. <https://www.lexology.com/library/detail.aspx?g=92038966-e18c-4a97-9593-29d20091e474>

